

دیدگاه ابن خلدون

پیرامون دولتها

دکتر محمود فیروزیان

را تابع يك جریان رشد و انحطاط، که پیوسته تکرار می شود، توصیف می کند و معتقد است که در ایمن جریان، يك حرکت بالنده و پیشرونده مدام ولی کند، مندرج است که نتیجه حفظ برخی از دستاوردهای فرهنگی نسلهای پیشین است.^(۳) به همین دلیل

لودویک فون برتا لانفی زیست شناس و احیا کننده نظریه عمومی سیستمها، ریشههای رویکرد سیستمی را در تاریخ به دوران ابن خلدون و ۰۰۰ ارتباط می دهد.^(۴) به اعتقاد وی " ۰۰۰ موضوع سیستم، گذشتهای بسیار دور دارد، گرچه از این کلمه (سیستم) استفاده نشده، ولی در طول تاریخ با عنوانهای دیگری مکرر مطرح شده است.^(۵) مانند رویکرد سیستمی ۰۰۰۰۰ ابن خلدون به تاریخ به عنوان سلسله کلهای فرهنگی ۰۰۰

در حقیقت، روش تحلیل و بررسی موضوعات توسط ابن خلدون، شباهت زیادی به روش دانشمندان امروزی در موضوع سیستم دارد و تنها تفاوت در شیوه ارائه آن است. ولی آنچه که مهم به نظر می رسد و یکی است، برخورد موضوعی به روش تحلیل است.

ابن خلدون در دیدگاه خود، دو کلمه را زیاد به کار می برد. یکی کلمه "دولت" است که وی آن را برای عشایر چادر نشین، امیرنشینهای شمال آفریقا و امپراتوری مغول یکسان بکار برده است و به همین دلیل برداشت او از کلمه "دولت"، به نظر نگارنده، سازمان و تشکیلات است.

کلمه دیگر "عصبیت" است که در ترجمه "مقدمه" به فارسی، برای حفظ مفهوم، همان کلمه "عصبیت" به کار رفته، که به نظر نگارنده، همبستگی گروهی در مفهوم وابستگی متقابل است، که در این متن نیز "همبستگی گروهی" به کار گرفته شده است. زیرا عصبیت قوه محرکه سازندگی دولت است که خود با تاسیس دولت نابود می شود.^(۶) برای عصبیت

(همبستگی گروهی) تعاریف متفاوت زیادی شده است که همه آنها بر ارتباطات متقابل بین افراد دلالت دارد. موضوع مورد بحث در این مقاله، "دیدگاه سلسله مرحله حیات دولتهاست" که توسط ابن خلدون در کتاب اول یعنی "مقدمه" مورد بررسی قرار گرفته است، که قبل از ورود به تجزیه و تحلیل، نگاهی کوتاه

ابن خلدون پسر خانواده های است که در سال ۶۴۶ ه. ق. مطابق با ۶۲۷ ه. ش از اندلس به تونس مهاجرت نمود.^(۱) وی که عبدالرحمان ابن محمد نام

داشت، در ۱۴ خرداد سال ۷۱۱ ه. ش در تونس به دنیا آمد و در ۲۵ اسفند سال ۷۸۴ ه. ش بدرود حیات گفت.

ابن خلدون، به عنوان وقایع نگار، از جمله مهمترین تاریخ نویسان عالم اسلام است که حدود ۵۰ سال از زندگی ۷۲ ساله اش را با مشاهده سازمانها و ساختارهای تشکیلاتی حکومتی سپری کرد و حاصل این مشاهدات را در کنار آثار زیاد خود، در سه کتاب شامل هشت جلد نوشت که کتاب نخستین آن "کتاب العبر" است، که در همان زمان اثر مستقلی شناخته شد و "مقدمه" نام گرفت.^(۲)

مقدمه در واقع نخستین اقدام بزرگی است که برای تجزیه و تحلیل روابط گروهی حاکم بر سازمانهای سیاسی و اجتماعی بشری برپایه عوامل محیطی و روانی انجام گرفته است.

ابن خلدون بر زمینه ای که از تفکر فقهی و اسلامی و فلسفه یونانی فراهم آورده است، جامعه بشری

بر مفهوم "سیستم" مفید به نظر می رسد.
 فرهنگ کوچک انگلیسی آکسفورد، سیستم را چنین
 تعریف کرده است: "یک کل ارگانیک و یاساخته شده
 متشکل از عناصری که بینشان روابط و وابستگیهایی
 وجود داشته باشد. مجموعه ای از حوادث، امسول،
 قواعد، افکار، پدیده های فیزیکی و غیره، که با توجه
 به روابط و وابستگیهای متقابل بر اساس طرحی
 آراسته (تنظیم) و با طبقه بندی شده باشند" (۷) تعریفی
 کلی تر، که پاسخگوی نیاز باشد، رانیز می توان بدین
 شکل ارائه داد: سیستم، کل متشکل از عناصر است که
 بین آنها نوعی از روابط و وابستگیهای متقابل
 وجود داشته باشد. "شاید تا به امروز، از طرف
 نویسندگان و اندیشمندان برای سیستم، بیش از ده ها
 تعریف متفاوت، چه در زمینه های تخصصی و چه عمومی
 در نوشتار مختلف ارائه شده باشد، (۸) ولی تمام



تعاریف دارای نقاط اشتراکی در، وجود عناصر، روابط
 متقابل، تشکیل کل (هدفمند)، پویایی، ارتباط با محیط،
 تولد، حیات، میرایی و غیره می باشند.
 حال می توان دیدگاه ابن خلدون در مورد فرضیه
 "سه مرحله حیات دولتها" را بر قالب سیستم نشانده،
 به صورت زیر بیان کرد:

الف- ایجاد سیستم: تشکیل دادن دولت برای انسان
 پایگاهی طبیعی است.

ب- اجزای (عناصر) سیستم: افراد جامعه، به دلیل
 روابط متقابل در فرآیند تولید، به یکدیگر وابسته اند.
 ج- روابط متقابل بین اجزا: دولتها فقط با
 همبستگی گروهی می توانند به وجود آیند و حیوانات
 یابند و تشکیل کل بدهند.

د- هماهنگی بین اجزا: وجود بیش از یک همبستگی
 گروهی، مانع ایجاد یک دولت قدرتمند است.

ه- میرایی سیستم: دولتها نیز همانند اشخاصی
 (سیستمهای زنده) در جریان زمان از بین می روند.

و- محیط سیستم: ویژگیهای دولتها، به وسیله
 محیط طبیعی (فیزیکی) آنها تعیین می شود.

ز- وضعیت مطلوب (بهینه): همبستگی گروهی
 به هنگام تاسیس دولت در بالاترین سطح خود است، زیرا
 دولت دارای رهبر است نه رئیس.

ح- پویایی در سیستم: رهبری و ریاست، طبیعت
 تغییرات در شخصیت انسان است که در ارتباط با خود
 انسان نیست و تابع مراحل است که دولت پشت سر
 می گذارد.

ت- حیات سیستم: سه مرحله حیات دولت به قرار
 زیر است:

اولین مرحله- تولد: پیروزی به هدف، و گرفتن
 کشور از دست دولت پیشین است.

دومین مرحله- تکامل: علی رغم استمرار
 همبستگی گروهی، تشکل سرمایه باعث تکاثر
 و تمرکز قدرت می شود.

سومین مرحله- مرگ: همبستگی گروهی
 تا مدتی ادامه می یابد سپس آرام آرام از هم
 می گسند.

از نظر ابن خلدون، مرحله سوم، از سه زیرمرحله

تشکیل می شود :

اولین زیرمرحله : اوج پویایی و اقتدار دولت و برقراری روابط با سایر دولتها .

دومین زیرمرحله : تقلید دولت از پیشینیان و از سایر دولتهای مشابه .

سومین زیرمرحله : فروپاشی و میرایی دولت .

ی- پیچیدگی سیستم : چون دولتها ، سیستمهای پیچیده ای می باشند ، لذا نخواهند توانست با تغییر رفتارشان استمرار کلیت دولت را برای دوره ای طولانی تامین نمایند .

توضیحات مختصری در باره هر يك از ویژگیهای برخورد سیستمی فوق ، بیانگر بهتر نظرات ابن خلدون خواهد بود .

الف - ایجاد سیستم : تشکیل دادن دولت برای انسان پایگاهی طبیعی است .

"... تشکیل دادن دولت برای انسان پایگاهی طبیعی است... و ممکن نیست بشر به زندگانی و موجودیت خود جز در پرتو اجتماع و تعاون ، برای به دست آوردن روزی ادامه دهد... در این صورت بشر به رادع یا حاکمی که مانع دستدرازی یکی به دیگری باشد ، نیازمند است و چنین حاکمی به مقتضای طبیعت بشر ، همان حکمران نیرومند است." (۹)

ب- اجزا (عناصر) سیستم : افراد جامعه ، به دلیل روابط متقابل در فرآیند تولید ، به یکدیگر وابسته اند . بشر برای حفظ خود ، نیازمند تعاون است ، و بالطبع استعداد آن را نیز دارد ، و برای فراهم آوردن اسباب مادی حیات فردی و نوعی خود ، تنها چیزی که در اختیار دارد ، کار است . هر جا که عده زیادی انسان زندگی کنند ، امکان تقسیم فعالیتها پدید می آید... که با همه دستاوردهای مادی و معنوی اش ، دارای گرایش به تجمل و تناسلی نیز هست که نطفه انحطاط را در خود می پرورد . (۱۰)

ج- روابط متقابل بین اجزا : دولتها فقط با همبستگی گروهی می توانند ایجاد و حیات یابند و تشکیل کل بدهند .

ابن خلدون معتقد است که " در نتیجه تحول ، نهادهای اقتصادی تغییر می یابند و تغییرشان به

تحول کلیت تمدن می انجامد... نوع رفتار حکمرانان ، روند جریانات سیاسی ، مساله سرنوشت دولتها ، نوع معیشت و وضعیت زندگانی در شهر و ده ، بروز فحطی...

اموری مجزا و بی ارتباط با یکدیگر نیستند ، همگی يك " واحد " و " کل " را تشکیل می دهند... وی

می گوید " ... مزاج دولتها ، همان همبستگی گروهی است و هرگاه همبستگی گروهی دولتی نیرومند باشد ، مزاج آن نیز تابع همبستگی گروهی خواهد گشت و دوران فرمانروایی و عمر آن هم دراز خواهد بود " (۱۲)

د - هماهنگی بین اجزا : وجود بیش از يك همبستگی گروهی ، مانع ایجاد يك دولت قدرتمند است .

" زیرا اختلاف عقاید و تمایلات که به دنبال هر يك از آنها همبستگی گروهی است ، مانع همبستگی گروهی دیگر می شود و از اینرو مخالفت با دولت و خروج و قیام برضد آن پیاپی افزونی می یابد ، هر چند خود دولت هم متکی به همبستگی گروهی باشد ، زیرا هر يك از همبستگیهای گروهی زیر دست دولت ، خود را دارای قدرت و ارجمندی می پندارند... " (۱۳)

ه - میرایی سیستم : دولتها نیز نظیر اشخاص (سیستمهای زنده) در جریان زمان از بین می روند .

ابن خلدون معتقد است " ... سن دولت به مثابه سن (عمر طبیعی) شخصی است که از مرحله نمو (تزاید) به سن ایستایی و سپس به مرحله پیری (رجوع) می رسد... " بنا بر این هرگاه فرسودگی در دولت طبیعی باشد ، روی دادن آن هم مانند پدید آمدن همه امور طبیعی خواهد بود .

و - محیط سیستم : ویژگیهای دولتها بوسیله محیط طبیعی آنها تعیین می شود .

" ... دانشها ، هنرها ، ساختمانها ، پوشیدنیها ، خوردنیها ، میوهها و بلکه جانوران و همه چیزهایی که در اقلیمهای سه گانه پدید آمده اند ، به اعتدال اختصاص یافته اند و افراد بشری که ساکنان این اقلیمها هستند ، از حیث جسم ، رنگ ، اخلاق و ادیان مستقیم تر و راست ترند... " (۱۵)

ز- وضعیت مطلوب (بهینه) : همبستگی گروهی به هنگام تاسیس دولت در بالاترین سطح خود است . زیرا دولت رهبر دارد نه رئیس .

ابن خلدون بین رهبر و رئیس تفاوت گذاشته ، آنها را از یکدیگر جدا می داند . رهبر را تشکیل دهنده

سرمایه ورثیس را تخصیص دهنده و توزیع کننده
آن می داند. وی از رهبر به عنوان پیشوا و از رئیس به
عنوان منع کننده یاد می کند. رهبری در سایه
همبستگی گروهی و ریاست با شکل سرمایه، نیرو
می گیرد و می گوید:

"... ریاست جز به وسیله قدرت و غلبه به دست
نمی آید" (۱۶)

ح پویایی در سیستم: رهبری و ریاست، طبیعت
تغییرات در شخصیت انسان است که با خود انسان
مرتبط نیست، بلکه تابع مراحل است که دولت پشت
سر می گذارد.

"... باید دانست که دولت به اطوار (رفتسار) و
مرحله های مختلف و حالات نوبه نو، انتقال می یابد و
زمانداران آن در هر یک از مرحله ها، خوبهایی
اکتساب می کنند که با آداب و رسوم همان مرحله
متناسب است که در مرحله دیگر همانند آن نیست" (۱۷)
ت - حیات سیستم: سه مرحله، حیات دولت به قرار
زیر است:

اولین مرحله - تولد: پیروزی به هدف، و گرفتن
کشور از دست دولت پیشین است.

"... مرحله نخستین، دوران پیروزی به هدف،
و طلب و چیرگی بر مدافع و مخالف و استیلا
یافتن بر کشور و گرفتن آن از دست دولت پیشین
است" (۱۸)

دومین مرحله - تکامل: علی رغم همبستگی
گروهی، شکل سرمایه باعث تکاثر و تمرکز
قدرت می شود.

"... دولت در این مرحله برگزیدن رجال
و گرفتن موالی و دست پروردگان همست
می گمارد و بر عده این گروه می افزاید تا
میدان را بر اهل همبستگی گروهی... تنگ کند،
از اینرو، آنان را از عهدهداری امور می راند
و از داخل شدن در آستانه این امر منع می کند و
سرجای خود می نشاند تا زمام فرمانروایی
مستقلا در اختیار او قرار گیرد" (۱۹)

سومین مرحله - مرگ: همبستگی گروهی تا
مدتی ادامه می یابد، سپس آرام آرام از همی گسند.

"... هرگاه فرمانروا، همبستگی گروهی دیگران
را سرکوب سازد، تمام همبستگیهای گروهی آرام خود
می کند... در نتیجه... نیرومندی و غلبه جویسی
ایشان به سستی مبدل می شود..." (۲۰)

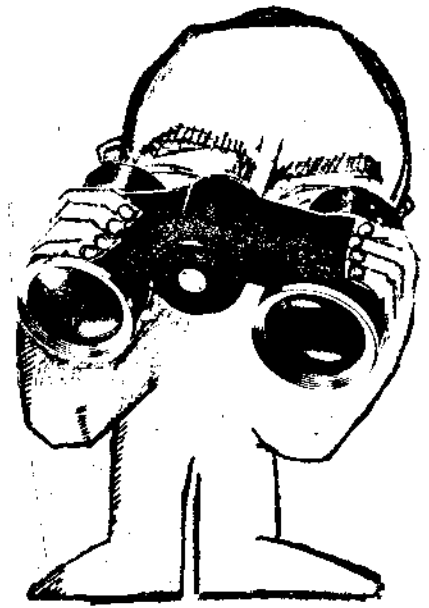
در این مرحله تجمل خواهی در دولت، باعث می شود
که "... مخارج فزونی یابد... که با میزان درآمد
دولت برابری نمی کند، از اینرو ناچار می شوند
با توسعه خراج (مالیات)... درآمدهزینه دولت
را متعادل کنند" (۲۱)

ابن خلدون می گوید "باید دانست که تجاوز به
اموال مردم، آنان را از به دست آوردن و بارور کردن
ثروت نومید می سازد، چه می بینند در چنین وضعیتی
سرانجام، هستی شان را به غارت می برند... و هر
گاه مردم از به دست آوردن و تولید ثروت نومید شوند،
از کوشش و تلاش دست برمی دارند... و در جستجوی
روزی از آن سرزمین رخت برمی بندند و در نواحی
دیگر که بیرون از قلمرو فرمانروایی آن ناحیه است،
پراکنده می شوند و در نتیجه... پریشانی و
نابسامانی... به دولت... هم سوایت می کند" (۲۲)
ابن خلدون مرحله سوم سازمان نیز به سه زیر
مرحله تقسیم می کند:

اولین زیر مرحله: اوج پویایی و اقتدار دولت
و برقراری روابط با سایر دولتها:

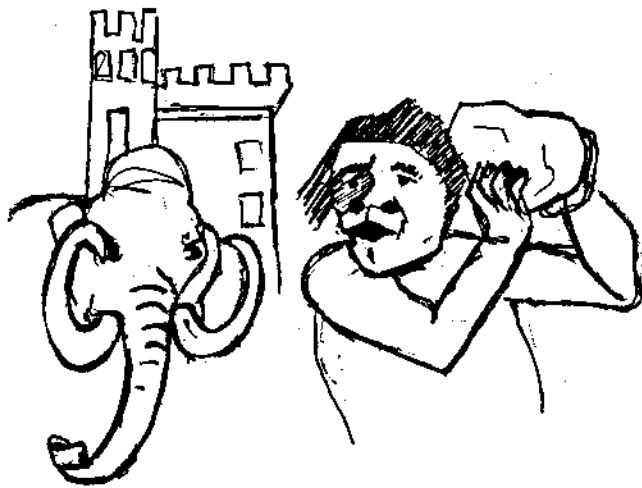
رفتار رئیس دولت در این زیر مرحله
"... کسب ثروت و به یادگار گذاشتن آثار
جاوید و نام آوری و شهرت طلبی است، از اینرو
تمام هم خود را مصروف امور خراج (مالیات)...
ستسانی و موازنه دخل و خرج و محاسبه هزینهها
... به پراکندن احسان در میان اهل خویش
می پردازد... به سان دادن سپاهیان خویش
و پرداختن حقوق و ارزاق ایشان در هر ماه
از روی انصافصنایت می کند، چنانکه آثار
آن در وضع لباس و سلاح و نشانها و دیگر
تزئینات و رسوم لشکریان در روز آرایش و سان
نمودار می گردد" (۲۳)

دومین زیر مرحله: تقلید دولت از پیشینیان
و از سایر دولتهای مشابه:



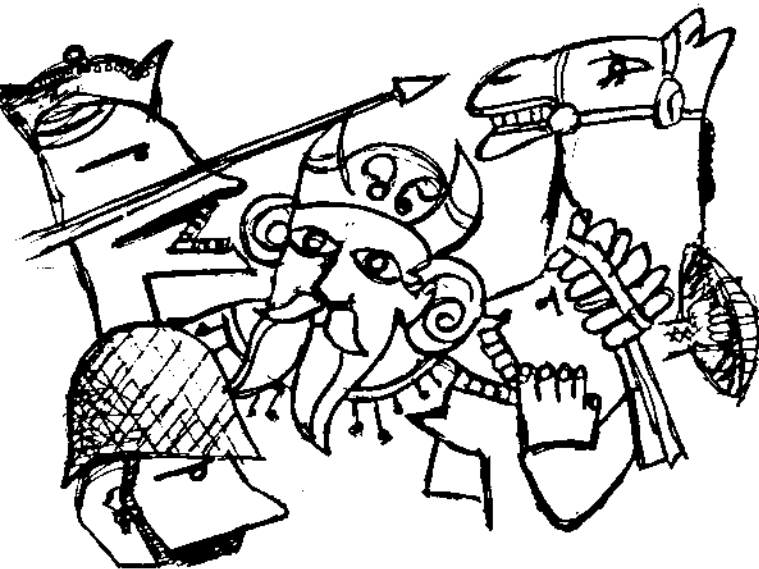
می شود، عادات است و عادات بمنزله طبیعت دیگری می باشد
 ۰۰۰ و همیسا که در دوران فرمانروایی دولت نیرویی پدید می آید
 که خیال کنند پیروی و فرتوتی از دولت مرتفع شده است ۰۰۰
 چنانکه گویی یک شمع بر آفر و ختنه از قدرت و توانایی می درخشد
 در صورتی که شعله های مزبور، آخرین تابش های
 آن قدرت است. زیرا شمع در حال خاموش شدن
 چشمک هایی می زند که مردم می پندارند بر آفر و ختنگی
 آن جاوید است، در صورتی که آن پرتو و چشمکها،
 نشانه خاموشی آن است " (۲۷)

پویایی سازمانها (دولتها) تا امروز عموماً " بسا
 دو روش بررسی شده است. روش اول، بررسی
 سازمانهای متفاوت در جریان تاریخ و دستیابی به



" ۰۰۰ رئیس دولت در این مرحله (دوره) به آنچه
 گذشتگان وی پایه گذاری کرده اند قانع می شود
 و با حکمرانان همانند خویش، راه مسالمت جویی
 پیش می گیرد و در آداب و رسوم و شیوه حکمرانسی
 به تقلید از پیشینیان خود می پردازد و تمام
 اعمال ایشان را گام به گام دنبال می کند " (۲۴)

سومین زیر مرحله: فروپاشی و میرایی دولت:
 " ۰۰۰ وضع مضیق مالی ۰۰۰ بیش از پیش شدت
 می یابد ۰۰۰ " (۲۵) در این مرحله طبیعت
 فرسودگی و پیری به دولت راه می یابد و بیماری
 مزمنی که کمتر می تواند خود را از آن برهاند، و
 طبیعتاً " با آن وضع درمان ناپذیر می شود، بر
 آن استیلا می یابد تا آنکه سرانجام منقرض
 می گردد "



ی - پیچیدگی سیستم: چون دولتها، سیستم های
 پیچیده ای می باشند، لذا خواهند توانست با تغییر رفتار -
 شان استمرار دولت را برای دوره ای طولانی تامین نمایند.
 " وقتی دولتی حالت طبیعی خود را از دست بدهد،
 دچار رکود و اضمحلال می شود " (۲۶)، " ۰۰۰ و گاهی
 بسیاری از فرمانروایان که هوشمندانه بدین عارضه
 توجه می کنند و می بینند عوارض موجبات فرسودگی
 و پیری به دولت آنان راه یافته، گمان می کنند ممکن
 است این عوارض را بر طرف کرد ۰۰۰ در صورتی که
 حقیقت امر چنین نیست. زیرا پدید آمدن عوارض مزبور
 در دولتها از امور طبیعی است و آنچه مانع جبران و اصلاح

يك الكوى فلسفه تاريخ است، كه امروزه نيز بسيارى از دانشمندان اين روش را مبرانه به كار مى گيرند. اساس اين روش، اعتقادى است كه به متفاوت بسبودن انسان و در نتيجه سازمانها با سيستمهاى طبيعى، وجود دارد، كه نقطه مقابل نگرش سيستمى است. (28) در حالى كه اساس روش دوم، بر بررسى يـا پژوهش پويابى يك سازمان در چهار چوب يك الكوى ايجاد شده از سازمان مبتنى است. اين روش تجزيه و تحليل، كه امروزه بويژه از طرف كشورهاي انگلـسو ساكسون پذيرفته شده و داراى نقاط اشتراك زيادى با ماترياليزم ديالكتيك است، رويكرد سيستمى ناميده مى شود. برخورد اين خلدون به پويابى سازمان (دولت) نيز اين رويكرد است. بدين ترتيب كه:

همبستگى گروهى از آغاز، هدف تشكيل سرمايه رادر بطن خود دارد و تشكيل سرمايه ضد همبستگى گروهى، يعنى نابود كننده آن است. در نتيجه، نهايت دولت نيز چيزى جز نهايت تمام پديده هاى طبيعى عالم، يعنى ميرابى نيست.

ويژگى دوم ديده اين خلدون آن است كه مقاومت پديده در استمرار حالت پايدارى قادر به جلوگيرى (ممانعت) از ميرابى و نابودى پديده نيست. از نظر ابن خلدون، چون دولت نيز يك پديده طبيعى بشمار مى رود، لذا يك سيستم ممكن بوده و در نتيجه مقاومت آن در مقابل ميرابى و زوال به يك فاصله زمانى محدود مى شود. دولتها ابتدا خود را با محيط فيزيكى (منطقه، جغرافيايى) و سپس ساختار خود را بر اساس روابط اقتصادى فيما بين تنظيم و تعديل مى كنند. آنگاه خود را با ويژگيهاى اجتماعى نظير دين - اخلاق و غيره با توجه به اوضاع طبيعى و اقتصادى وفق داده و تعديل مى كنند. اين فرآيند تعديل، يعنى آزمودن ممكنها، با فواصل زمانى مشخص محدود مى شود.

۱- احمدبيرشك، زندگنامه علمى دانشوران، انتشارات علمى و فرهنگى، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۷، صفحه ۳۲۴.

۲- عبدالرحمن ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پسر وین گنابادی، انتشارات علمى و فرهنگى، وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول، ۱۳۶۲، مقدمه مترجم، صفحه ۲۹.

۳- احمد بيرشك، همان ماخذ، صفحه ۳۵۷.

۴- مهدوى فرشاد، نگرش سيستمى، انتشارات اميركبير، تهران، ۱۳۶۲، صفحه ۳۵.

۵- براى آگاهى بيشتر به كتاب زيرمراجعه نماييد.
L.Von Bertalanfy, General System Theory, (ed.)
George Braziller, New York, 1973,
11.

۶- ايولاكوست، جهان بينى ابن خلدون، ترجمه مهدى مظفرى، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، صفحه ۱۴۰.

7- The Shorter Oxford English Dictionary,
1968.

۸- براى اطلاع از تعاريف سيستم در زمينه هاى امورادارى، مهندسى، رفتارى، طراحى كار وغيره به ماخذ محمود فيروزيان، مدىريت توليد (۱)، پلى كيبى، دانشكده علوم ادارى و مدىريت بازرگانى، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲، صفحات ۱۰ و ۱۱ و تعاريف عمومى از سيستم به: و.ن. سادوسكى، و.و. بلاويرگ، ا.گ. بيودين، نظريه سيستمها، ترجمه كيومرث پريانى، نشر تندر، تهران، ۱۳۶۱، صفحات ۱۲۹ و ۱۳۰ مراجعه كنيد.

۹- عبدالرحمن ابن خلدون، همان ماخذ، صفحه ۳۵۹.

۱۰- احمدبيرشك، همان ماخذ، صفحه ۳۷۵.

۱۱- ايولاكوست، همان ماخذ، صفحه ۷۱.

۱۲- عبدالرحمن ابن خلدون، همان ماخذ، صفحه ۳۱۲.

۱۳- همان ماخذ، صفحه ۲۱۳.

۱۴- همان ماخذ، صفحات ۲۲۷-۲۲۶.

۱۵- همان ماخذ، صفحه ۱۵۰.

۱۶- همان ماخذ، صفحه ۲۵۰.

۱۷- همان ماخذ، صفحات ۲۳۴-۲۳۳.

۱۸- همان ماخذ، صفحه ۳۲۴.

۱۹- همان ماخذ، صفحه ۴۴۴.

۲۰- همان ماخذ، صفحات ۳۲۱-۳۲۰.

۲۱- همان ماخذ، صفحه ۵۵۹.

۲۲- همان ماخذ، صفحه ۵۵۲.

۲۳- همان ماخذ، صفحه ۳۳۵.

۲۴- همان ماخذ،

۲۵- همان ماخذ، صفحه ۵۴۷.

۲۶- ايولاكوست، همان ماخذ، صفحه ۱۸۸.

۲۷- عبدالرحمن ابن خلدون، همان ماخذ صفحات ۵۶۸-۵۶۷.

۲۸- براى اطلاع بيشتر از مقايسه نگرش ها، به منبع زير مراجعه نماييد.

D.Silverman, The Theory of Organization,
Heinmann, London, 1970, p. 217.
29- Homeostatis.